

## Discourse Analysis of “Equitable Water Distribution” Law in Iran

A. Maleki<sup>1\*</sup>, S. Salehi<sup>2</sup>, L. Karimi<sup>3</sup>, S.M. Shobeiri<sup>4</sup>

1- Associate Professor, Social Sciences Department, Payame Noor University, Tehran, Iran. 2- Associate Professor, Social Sciences Department, Mazandaran University, Babolsar, Iran. 3- Ph.D. Student in Sociology, Social Sciences Department, Payame Noor University, Tehran, Iran. 4- Professor, Environmental Education Department, Payame Noor University, Tehran, Iran.

\*(Corresponding Author Email: a\_maleki@pnu.ac.ir)

Received: 18-10-2021

Revised: 29-11-2021

Accepted: 08-12-2021

Available Online: 20-06-2022

## تحلیل گفتمان قانون توزیع عادلانه آب در ایران

امیر ملکی<sup>۱\*</sup>، صادق صالحی<sup>۲</sup>، لیلا کریمی<sup>۳</sup>، سید محمد شبیری<sup>۴</sup>

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. ۳- دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ۴- استاد گروه آموزش محیط‌زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

\*(نویسنده مسئول، E-Mail: a\_maleki@pnu.ac.ir)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

### Abstract

With the emergence of the water crisis and its numerous consequences in Iran, researchers in various sciences have investigated the causes and offered solutions to prevent it, but most of them have not addressed the complex relations and interactions of the water sector with the wider social, political and economic systems. The present study is based on the idea that there are different perceptions about the water problem in Iran and this difference in meanings and perceptions has been effective in passing laws and adopting the country's water policies. Using the discourse analysis method and combining the approaches of Fairclough and Laclau/Moff, the semantic system of “the equitable water distribution” law was studied. The findings were presented in two parts: an analysis of the textual characteristics of the law and its connections to the economic, social, and political conditions of the society. The results showed that the law has been influenced by revolutionary values and conditions of the society in the early years after the victory of the Islamic Revolution. Ambiguity in the definition of concepts such as justice and public interests, disbelief in water resources constraints and imminent crisis, disbelief in nature's entity and living ecosystems, and neglect of citizens' agency has made this law a non-equitable one that ignores the rights of nature and future generations.

**Keywords:** Water, Environment, Discourse Analysis, Equitable Water Distribution Law.

### چکیده

با بروز بحران آب در ایران و ظهور پیامدهای متعدد آن، محققان علوم مختلف علل را بررسی و برای پیشگیری از آن راهکارهایی ارائه نمودند، اما اکثر آنها به روابط پیچیده و تعاملات بخش آب با نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وسیع‌تر نپرداخته‌اند. تحقیق حاضر بر این تفکر استوار است که برداشت‌های متفاوتی در مورد مسئله آب در ایران وجود دارد و این تفاوت در معانی و برداشت‌ها بر تصویب قوانین و اتخاذ سیاست‌های آبی کشور مؤثر بوده است. در این تحقیق، با استفاده از روش تحلیل گفتمان و با تلفیق رویکردهای فرکلاف و لاکل و موف، نظام معنایی موجود در قانون توزیع عادلانه آب بررسی شد. یافته‌ها در دو بخش تحلیل ویژگی‌های متن قانون و بررسی ارتباط آن با شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ارائه شد. نتایج حاکی از تأثیرپذیری این قانون از ارزش‌های انقلابی و شرایط حاکم بر جامعه در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی بود. ابهام در تعریف مفاهیم از جمله عدالت و مصالح عمومی، عدم باور به محدودیت‌ها در منابع آبی و زود هنگام بودن بحران، عدم باور به موجودیت طبیعت و اکوسیستم‌های زنده و غفلت از نقش عاملیت شهروندان، قانون توزیع عادلانه آب را به قانونی ناعادلانه تبدیل کرده است که حقوق طبیعت و نسل‌های آینده را نادیده می‌گیرد. واژه‌های کلیدی: آب، محیط‌زیست، تحلیل گفتمان، قانون توزیع عادلانه آب.

مشکلات محیط‌زیستی، از جمله بحران آب، درهم تنیده، چند بعدی و یا در یک کلام، پیچیده هستند و دامنه وسیعی از ذی‌نفعان- شامل نهادهای عمومی، مصرف‌کنندگان، بخش خصوصی، جامعه مدنی و ... را در بر می‌گیرند (Europe Aid, 2009). Dryzek (2013) نیز به همین پیچیدگی اشاره کرد و آن را ناشی از تعدد و تنوع عناصر و تعاملات موجود در محیط تصمیم‌گیری می‌داند. در واقع، سیستم‌های تصمیم‌گیری انسانی (چه فردی باشند و چه گروهی، مانند دولت‌ها) در رویارویی با مسائل محیط‌زیستی با دو دسته از پیچیدگی‌ها مواجه می‌شوند. اول اینکه اکوسیستم‌ها پیچیدگی‌های خود را دارند و دانش موجود درباره آنها محدود است و دوم اینکه نظام‌های اجتماعی انسان‌ها نیز پیچیده هستند. مشکلات محیط‌زیستی بنا بر تعریف در نقطه اتصال اکوسیستم‌ها و نظام‌های اجتماعی انسانی پدید می‌آیند و به این ترتیب، پیچیدگی مضاعفی دارند. هر چه یک موقعیت پیچیده‌تر باشد، از یک طرف، برداشت‌های متفاوت درباره آن نیز بیشتر است که به سختی می‌توان اشتباه بودن هر یک از این دیدگاه‌ها را اثبات کرد. از طرف دیگر، اگر این تفاوت‌ها به خوبی شناسایی و مدیریت نشوند، اختلافات پیش آمده در اثر این تفاوت‌ها می‌تواند موانعی جدی در برابر حل مشکلات محیط‌زیستی و مدیریت بهینه منابع طبیعی ایجاد نماید. وجود این اختلافات و تعاملات پیچیده و تو در تو که فرایندهای سیاست‌گذاری را تشکیل می‌دهد، محققان این حوزه را به سمت رویکردهای بر ساخت‌گرایانه و تحلیل‌گفتمان سوق می‌دهد (Sharp و Richardson, 2001). سنت‌های متفاوتی در تحلیل‌گفتمان وجود دارد که از توضیح‌های مختلف از معنی‌گفتمان پرورش یافته است. سنت‌های زبان شناختی، گفتمان را به‌عنوان واحدهای گفتاری و یا نوشتاری در ارتباطات تعریف می‌کنند و بر محتوای متون و گفتگوها تمرکز دارند. سایر سنت‌های علوم اجتماعی، گفتمان‌ها را برگرفته و وابسته به کردار اجتماعی می‌دانند (Hajer, 1995). برای تحلیل کامل فرایندهای سیاست‌گذاری لازم است از رویکردهای متن محور فراتر رفته و به جنبه‌هایی از سیاست‌گذاری پردازیم که بیرون از متون قرار دارند (Sharp و Richardson, 2001). گفتمان‌ها با قدرت و اقدامات سیاسی پیوند دارند و خود گفتمان‌ها نیز می‌توانند از طریق شکل دادن به ادراک و ارزش‌های افراد، اعمال قدرت نمایند (Dryzek, 2013). Hajer (1995) گفتمان را به‌عنوان مجموعه خاصی از ایده‌ها مفاهیم و مقوله‌بندی‌هایی تعریف می‌کند که تولید و باز تولید می‌شوند و به مجموعه خاصی از اعمال (رسوم) شکل می‌دهند که از طریق آن به واقعیت‌های فیزیکی و اجتماعی معنا داده می‌شود. یا به طور خلاصه، گفتمان مجموعه‌ای به هم پیوسته از خطوط داستانی است که جهان اطراف ما را تفسیر می‌کنند. John Dryzek (2013) گفتمان را به‌عنوان شیوه مشترک فهم جهان تعریف می‌کند. گفتمان با جای گرفتن در زبان، به افرادی که در آن زبان مشترک هستند کمک می‌کند که قطعات مختلف اطلاعات را تفسیر کنند

تلقی مشکلات محیط‌زیستی به‌عنوان مشکلاتی با ریشه‌های اجتماعی و این ادعا که فعالیت‌های انسان ممکن است تأثیرات مخربی بر اکوسیستم بر جای بگذارد از سال‌های ۱۹۸۰ مطرح شد ولی زمان بسیاری سپری شد تا مورد توجه عموم قرار گیرد (Dryzek, 2013). در چند دهه اخیر آگاهی در مورد آلودگی، نابودی محیط‌زیستی، انقراض گونه‌ها و استخراج بیش از اندازه منابع طبیعی در تمامی کشورهای جهان افزایش یافته است و مطالعات انجام شده در این حوزه، حاکی از اثرات ویرانگر فعالیت‌های بشری بر محیط‌زیست است (Novikau, 2016). آمارها نشان می‌دهد وضعیت فعلی محیط‌زیست از یک سو نتیجه نوع برداشت‌ها و رفتارهای نامناسب کنشگران در مواجهه با محیط‌زیست بوده و از سویی دیگر، نتیجه سیاست‌های اخذ شده در حوزه‌های کلان محیط‌زیستی است (صالحی و همکاران، ۱۴۰۰).

این تأثیر مخرب فعالیت‌ها و تصمیمات انسانی در حوزه آب نیز به وضوح دیده می‌شود. امروزه، برداشت‌های بی‌رویه از منابع سطحی و زیرزمینی آب در سرتاسر جهان صورت می‌پذیرد و بشر بی‌وقفه و با شتاب بالایی در حال تخلیه کردن، تغییر دادن و آلوده ساختن منابع آب شرب زمین است. مصرف آب در سطح جهان از سال ۱۹۸۰ هر ساله ۱٪ افزایش یافته است (UNESCO, 2019). در حال حاضر، بیش از ۲ میلیارد نفر در کشورهای زندگی می‌کنند که تنش آبی بالایی دارند. با اینکه میانگین تنش آبی در جهان تنها ۱۱ درصد است، اما ۳۱ کشور تنش آبی بین ۲۵ تا ۷۰ درصد را تجربه می‌کنند و در ۲۲ کشور، از جمله ایران، تنش آبی بالای ۷۰ درصد است (UNESCO, 2019). طبق پیش‌بینی‌ها، این روند ادامه خواهد داشت و تا سال ۲۰۳۰ تقاضای جهانی آب از ۴۵۰۰ میلیارد متر مکعب در حال حاضر به ۶۹۰۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. یعنی رقمی که به طور میانگین ۴۰ درصد از منابع آبی قابل دسترس بیشتر است. یک سوم از جمعیت جهان که اغلب در کشورهای در حال توسعه هستند، در حوزه‌های آبریزی زندگی خواهند کرد که منابع آبی آن بیش از ۵۰ درصد از سطح تقاضا پایین‌تر است (Adams و همکاران، 2009). همچنین، پیش‌بینی می‌شود افزایش تقاضای آب با همین شتاب تا سال ۲۰۵۰ ادامه پیدا کند و به ۲۰ تا ۳۰ درصد بالاتر از سطح کنونی مصرف برسد (Burek و همکاران، 2016). هم‌اکنون نیز کشورهای بسیاری در سرتاسر جهان با عواقب و اثرات متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و ... بحران آب دست به‌گریبان هستند و همین موضوع محققان علوم مهندسی و انسانی را به بررسی علل و عوامل بحران آب برانگیخته است. نتایج حاصل از این تحقیقات در سطوح جهانی، ملی و منطقه‌ای نشان داده است که علت بحران آب، نه کم آبی و یا ضعف در تکنولوژی بلکه شکست در حاکمیت آب است (UNESCO, 2006).

و با در کنار هم قرار دادن آنها داستان‌های منسجمی بسازند و یا به تبیین‌هایی دست یابند. بنابراین، در هر زمانی، نحوه برخورد با مسئله به میزان زیادی (اگرچه نه تماما) به تعادل شکل گرفته میان گفتمان‌های رقیب بستگی دارد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶).

تحلیل گفتمان، مجموعه‌ای از رویکردهای میان رشته‌ای است که می‌توان از آنها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کند و کاو در قلمروهای مختلف، از جمله برای تحلیل مسائل محیط‌زیستی مانند مسائلی اجتماعی استفاده کرد. تحقیق پیرامون گفتمان‌های محیط‌زیستی می‌تواند الگوها و نگرش‌های کلان حاکم بر نهادهای تصمیم‌گیر را آشکارتر نماید و از این طریق، به درک و حل مسائل محیط‌زیستی کمک نماید (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، گفتمان‌های محیط‌زیستی شیوه‌هایی هستند که ما مسائل محیط‌زیستی را برمی‌سازیم، تفسیر می‌کنیم، بحث می‌کنیم و تحلیل می‌نماییم (Dryzek, ۲۰۱۳). رویکرد گفتمانی ضمن پذیرش شاخص‌ها و ابعاد کمی مسائل و مقولات محیط‌زیستی، به تفاوت‌های موجود در تعریف و تفسیر این مقولات توجه نشان می‌دهد. به این معنی که گفتمان‌های مختلف تعبیر و تفاسیر متفاوتی از مسائل و موضوعات مربوط به محیط‌زیست دارند و این تعبیر و تعاریف ممکن است در طول زمان به طور چشمگیری تغییر کند و این تغییر معانی پیامدهای عمده‌ای را برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در پی دارد (Dryzek, ۲۰۱۳).

در سال‌های اخیر در ایران برخی از محققان از منظری گفتمانی و برساخت‌گرایانه به مطالعه مسائل محیط‌زیستی پرداختند. صالحی و همکاران (۱۳۹۳) گفتمان محیط‌زیستی برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را تحلیل کرده و به این نتیجه رسیدند که در قسمت اعظم برنامه‌ها، به ویژه در برنامه‌های اول تا سوم توسعه، گفتمان محیط‌زیست‌گرایی غالب بوده و برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نیز تحت تأثیر گفتمان زیست‌بومی طراحی شدند. یازولو (۱۳۹۵) با بررسی گفتمان‌های محیط‌زیستی حاکم بر مذاکرات مجلس شورای اسلامی، وجود چهار گفتمان عمده را تشخیص داد: گفتمان عدالت محیط‌زیستی (حاکم بر دوره‌های اول و دوم مجلس)، گفتمان حفاظت از محیط‌زیست (مجالس سوم تا پنجم)، گفتمان مخاطره (مجالس ششم و هفتم) و گفتمان نوسازی که گفتمانی سیال است و در تمام دوره‌های مجلس وجود دارد و در رقابت با سایر گفتمان‌ها است. نتیجه حاکی از آن بود که شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور زمینه‌ساز شدن گفتمان‌ها را مهیا می‌کند. عبداللهی (۱۳۹۵) با رویکردی تفسیری-برساختی به واکاوی نظام معنایی جامعه کشاورزی از پدیده خشکسالی و چگونه درک، تفسیر و ارزیابی کشاورزان از این پدیده پرداخت و نتیجه گرفت که خشکسالی از دیدگاه کشاورزان یک پدیده چند لایه‌ای و دارای عللی چندگانه از جمله حکمرانی ناکارآمد آب، کشاورزی خودمدار، تغییرات اقلیمی و علل تقدیرگرایانه است.

یکی از مسائل محیط‌زیستی در ایران که در سال‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است، مسئله بحران آب است. آمارها حاکی از آن است که ایران بیش از ۷۰ درصد از کل منابع آب تجدید شونده خود را برداشت نموده است و طبق شاخص‌های تعیین شده توسط کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل، مبنی بر اینکه اگر میزان برداشت آب کشوری بیش از ۴۰ درصد باشد، آن کشور با بحران شدید آب مواجه است، می‌توان گفت در شرایط حاضر، ایران با بحران شدید آب مواجه است (عربی یزدی و همکاران، ۱۳۸۸). دلایل مختلفی برای وضعیت کنونی آب در ایران شناسایی شده‌اند، از جمله تغییر اقلیم، رشد سریع جمعیت و شهرنشینی، صنعتی شدن، سدسازی، کشاورزی سنتی با بهره‌وری پایین و ... به نظر می‌رسد مشکلات آبی ایران در کنار عوامل طبیعی، بیشتر ریشه انسانی داشته و پیامد دهه‌ها مدیریت ضعیف ناشی از عدم پیش‌بینی، برنامه‌ریزی ناهماهنگ و درک اشتباه از توسعه باشد (Madani و همکاران، ۲۰۱۶). چرا که ایرانیان هزاران سال در این منطقه خشک و نیمه‌خشک و با دسترسی محدود به منابع آب، به حیات خود ادامه داده‌اند و با احداث زیرساخت‌های هوشمند هیدرولیکی مانند کانال (جوی‌ها، لوله‌های رسی، سدهای قوسی، سدهای گرانشی بزرگ، آسیاب‌های آبی، سازه‌های کنترل سیل، آب‌انبارها، یخچال‌ها و مخازن ذخیره آب، یکی از پیشگامان جهان در مدیریت پایدار منابع آب بوده‌اند (Madani و همکاران، ۲۰۱۶). لذا بخش عمده‌ای از این بحران در دوره معاصر در نتیجه شیوه حکمرانی آب و تصمیمات و سیاست‌های اتخاذ شده در سطح کلان کشور پیش آمده است که از مهمترین مصادیق آن، می‌توان به قوانین و برنامه‌های مصوب در مجلس اشاره کرد. در طول بیش از صد سال قانون‌گذاری در کشور، بیش از ۷۰۰ عنوان قانون و تصویب‌نامه مربوط به آب وضع شده است (محمدی و مهرابی، ۱۳۹۷). وضع چنین قوانینی در طول تاریخ از عوامل مختلف داخلی و خارجی تأثیر پذیرفته است. برخی از مهمترین این قوانین، لویحی بوده‌اند که توسط دولت‌ها تدوین و به مجلس ارائه شده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت تأثیرگذارترین قوانین و برنامه‌ها در حوزه آب، به صورت مستقیم، محصول تعاملات شکل گرفته میان دولت و مجلس بوده و از اولویت‌ها و رویکردهای غالب در این دو نهاد تأثیر پذیرفته است.

بهترین مثال در این زمینه قانون توزیع عادلانه آب است که زاییده فضای حاکم در کشور، در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ بود که بر دولتی‌گرایی و عدالت‌طلبی تمرکز داشت. در اولین مجلس شورای اسلامی (به ریاست هاشمی رفسنجانی) و تحت تأثیر گفتمان انقلاب، کشاورز، هم‌ارز با مستمندان در نظر گرفته شده و لزوم عدالت‌طلبی و اجرایی کردن آرمان‌های انقلاب برای این قشر در رفع موانع برای توسعه آب و کشاورزی معنا یافت. همچنین، دولت (با نخست‌وزیری میرحسین موسوی)، تمرکز خود را بر نفی خصوصی‌سازی و حمایت دولتی از اقشار ضعیف قرار

داد. لذا همسویی بین دو قوه مجریه و مقننه در تدوین و اجرای قوانین عدالت طلبانه وجود داشت (طالبی و همکاران، ۱۳۹۹). این قانون به باور محققان حوزه آب، نقطه عطفی در مدیریت منابع آبی کشور بود که به تخلفات صورت گرفته در حوزه آب، لباس قانون پوشانید و قبح تجاوز بر منابع آب زیرزمینی را از بین برد و به آغاز کاهش ذخایر استاتیک آب‌های زیرزمینی سرعت بخشید (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴).

مرورری بر مطالعات آبی انجام شده در ایران نشان می‌دهد در بخش اعظمی از این مطالعات، ابعاد فنی و اجرایی مدیریت و مصرف آب بررسی شده است و بخش کمتری، بررسی ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بحران آب را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به‌ویژه، تاکنون هیچ تحقیق قابل دسترس به تحلیل گفتمان‌های غالب در قوانین مربوط به آب اختصاص نیافته است. در حالی که مسئله آب در ایران مانند سایر مسائل محیط‌زیستی، تنها یک مسئله طبیعی و مهندسی نبوده، بلکه بیشتر مسئله‌ای مربوط به روابط قدرت بین کنشگرانی است که در نزاعی گفتمانی وارد شده‌اند (صالحی و همکاران، ۱۴۰۰). به‌عبارت‌دیگر، مسئله آب در ایران یک مسئله اکولوژیکی نبوده و از ابعاد گفتمانی برخوردار است و درک صحیح آن نیازمند شناخت این ابعاد است. بنابراین، کار تحقیقی حاضر بر این فکر استوار است که گفتمان امر مهمی است و شیوه تعریف، تفسیر و برخورد با هر مسئله‌ای از جمله مسائل محیط‌زیستی را تعیین می‌کند. هر رویدادی در حوزه محیط‌زیست چه در سطح فردی و طی زندگی روزمره و چه در سطح کلان و در روند تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان، تحت تأثیر گفتمان‌ها رخ می‌دهد و با شناخت این گفتمان‌ها و بررسی تطبیقی و انتقادی گفتمان‌های رقیب می‌توان به درک درستی از این رویدادها دست یافت. بنابراین، شناسایی گفتمان‌های محیط‌زیستی رایج در قوانین و سیاست‌های حوزه آب، می‌تواند در شناخت ابعاد مختلف سیاست‌گذاری‌ها در سطح کلان و تبیینی از بحران آب کنونی کمک شایانی نماید. از این رو، تحقیق حاضر بر آن است که با رویکرد تحلیل گفتمان، قانون توزیع عادلانه آب را از منظر جامعه شناختی بررسی نماید تا با شناسایی گفتمان غالب در آن به تحلیل نظام معنایی این گفتمان در خصوص مسئله آب و مدیریت آن بپردازد.

## مواد و روش‌ها

برای انجام تحقیق حاضر از روش تحلیل گفتمان و تلفیق دو رویکرد گفتمانی لاکلا و موف و تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف استفاده شده است. از منظر هر دو رویکرد، پدیده‌های اجتماعی و فیزیکی، هر دو وجود دارند، اما دسترسی ما به آنها همواره با پادرمیانی نظام‌های معنایی در قالب گفتمان‌ها است. پدیده‌هایی فیزیکی معنایی از خود ندارند؛ معنا چیزی است که از طریق گفتمان به آنها نسبت داده می‌شود (Richardson و Sharp، ۲۰۰۱).

ارنستو لاکلا و شانتال موف نظریه خود را با این ایده پسا ساختارگرایانه شروع می‌کنند که گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا برمی‌سازد. باز تولید معنا و تغییر نحوه انتساب معنا اعمالی سیاسی‌اند. سیاست در این رویکرد، فراتر از شکل حزبی رفته و عبارت از سازماندهی جامعه به ترتیبی خاص است و به رفتاری اشاره دارد که طی آن پیوسته امر اجتماعی را به گونه‌ای می‌سازیم که سایر شیوه‌ها را دور می‌کند. کنش‌های ما مفصل‌بندی‌هایی تصادفی‌اند، یعنی عبارت‌اند از معناهایی که به شکل موقت در قلمروی نامعین تثبیت شده‌اند و گفتمان‌های موجود و در نتیجه سازمان‌های جامعه را بازتولید می‌کنند و یا تغییر می‌دهند. لاکلا و موف برای تبیین نظریه خود، مفاهیم متعدد و گاه پیچیده و دارای وجوه مختلف را به کار گرفته‌اند که ذکر تمامی آنها در این مجال نمی‌گنجد. از این رو به معرفی برخی از مفاهیم این نظریه که در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند می‌پردازیم. دو مفهوم "دال" و "مدلول" در این نظریه نقش کلیدی دارند. دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معنای خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، "مدلول" نامیده می‌شود. به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، "دال مرکزی" می‌گویند. "انسجام معنایی" در سایه مفصل‌بندی دال‌ها حول دال مرکزی حاصل می‌شود. (کسرای و پوزش، ۱۳۸۸). "مفصل بندی" به معنی قرار گرفتن عناصر یا نشانه‌هایی در کنار یکدیگر است که به طور طبیعی در کنار هم قرار نداشتند و در اثر این تلفیق و در کنار هم قرار گرفتن، هویت تازه‌ای می‌یابند (حجازی و بهرامی، ۱۳۹۸). دال‌هایی را که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند "وقته" می‌نامند. هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد. هر گفتمان به طور طبیعی یکی از آن معانی را بر حسب همخوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی را طرد می‌نماید. معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند، "حوزه گفتمان‌گونی" می‌نامند. در واقع، یک وقته پیش از ورود به یک مفصل بندی گفتمانی، در حوزه گفتمان‌گونی قرار دارد و "عنصر" نامیده می‌شود. عناصر، دال‌های شناوری هستند که هنوز ذیل یک گفتمان قرار نگرفته و در واقع، از گفتمان مورد نظر طرد شده‌اند (کسرای و پوزش، ۱۳۸۸).

رویکرد دوم، تحلیل گفتمان انتقادی است که توسط نورمن فرکلاف مطرح شده است که به نقش فعال گفتمان در ساختن جهان اجتماعی تاکید می‌کند ولی بر خلاف رویکرد لاکلا و موف، اصرار دارد که گفتمان صرفاً یکی از جنبه‌های مختلف هر کردار (پرکتیس) اجتماعی است. فرکلاف، گفتمان را به‌عنوان مجموعه به هم تافته‌ای از سه عنصر کردار اجتماعی، کردار گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن تعریف می‌کند و تحلیل یک گفتمان خاص را نیازمند تحلیل هر یک از این سه بعد و روابط میان آنها می‌داند. او فرض را بر این می‌گیرد که پیوندی معنا دار میان ویژگی‌های خاص متن،

## نتایج و بحث

مهمترین قانون مصوب در زمینه آب پس از انقلاب اسلامی ایران قانون توزیع عادلانه آب است که در سال ۱۳۶۱ و در پنج فصل مالکیت عمومی و ملی آب، آب‌های زیرزمینی، آب‌های سطحی، وظایف و اختیارات (صدور پروانه مصرف معقول)، وصول آب بها/عوارض و دیون و درنهایت جبران خسارت، تخلفات و جرائم به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید. بررسی و تحلیل قانون توزیع عادلانه آب در دو بخش کلی صورت می‌گیرد. در مرحله اول، ویژگی‌های متن قانون با استفاده از روش معرفی شده توسط فرکلاف مورد مطالعه واقع می‌شود و در مرحله دوم، با استفاده از روش لاکلا و موف، تحلیلی از این قانون در بطن جامعه و بستر گفتمانی وسیع‌تر ارائه می‌شود.

### ۱- تحلیل ویژگی‌های متن قانون توزیع عادلانه آب

ویژگی‌های صوری متن قانون بر اساس روش معرفی شده توسط فرکلاف و در دو سطح واژگان و دستور زبان مورد تحلیل قرار گرفت.

#### الف) ویژگی‌های واژگانی

در این روش واژگان بر اساس ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی، ویژگی‌های دستوری و ساخت‌های متنی بررسی می‌شود. در جدول شماره (۱) واژگان به کار رفته در متن قانون که دارای ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند، قابل مشاهده‌اند.

جدول ۱- ویژگی‌های صوری واژگان به کار رفته در متن قانون توزیع عادلانه آب

واژگان	ارزش واژگان	واژگان به کار رفته در متن قانون	بازنمایی
ارزش تجربی	۱- مشترکات، منابع آب، مخزن، تصرفات، تقسیم، توزیع، سهمیه، شرکاء، سهم، مسئول	آب به‌عنوان منبع و مخزنی مشترک که کسانی در بهره‌برداری از آن شریک و سهم هستند.	
	۲- حق، حقا، بهره‌برداری، دخل و تصرف، مسئول، صاحب چاه، استفاده کننده، اداره کنندگان، مالکین، نزاع، اختلاف، حق تقدم، آب بران، احداث، انشعاب، تغییر مقطع و مجرای آب، اتلاف، تأسیسات آبی، شبکه آبیاری، واگذاری، خطر، مزاحمت، مانع از عملیات عمرانی	دیدگاه شرکاء به منابع آبی مشترک به‌عنوان حق و سهم و نحوه بهره‌برداری از این منابع که حاکی از دیدگاهی منفعت طلبانه است.	
	۳- مصرف خانگی و شرب و بهداشتی و باغچه، کشاورزی، صنعتی و شهری، عمومی، زائد، حاصل از فاضلاب، بر اثر احداث تأسیسات آبی، بر اثر زلزله یا سایر عوامل و ... مصارف شهری یا صنعتی یا معدنی یا دامداری	طبقه‌بندی منابع آب بر اساس نوع مصرف که نشان از رویکرد به آب به‌عنوان مخزن و منبعی برای رفع نیازهای مصرفی بشر دارد.	
	۴- ظرفیت، خشکانیدن، شرایط اقلیمی، آمار هیدرولوژی، خصوصیات هیدرولوژی، اتلاف، فشار، نقصان، خشک، آلودگی، مصرف معقول، میزان مصرف، جیره بندی، میزان برداشت، حریم، محدوده، مشخصات فنی، حریم	ظرفیت‌های موجود در منابع آبی که ممکن است محدودیت‌هایی را برای تأمین نیازهای بشری ایجاد نماید.	
	۵- هزینه، معقول و اقتصادی، سرمایه دولت، شورای اقتصاد، نرخ آب، هزینه‌های جاری، بهای آب، بدهی‌های معوقه، تأمین هزینه، قیمت عادلانه، تملک، خرید	تلقی آب به‌عنوان کالایی اقتصادی	

شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد. بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی از نظر فرکلاف تلفیقی است از تحلیل متن، تحلیل فرایندهای تولید، توزیع و مصرف متن و تحلیل اجتماعی-فرهنگی رخداد گفتمانی به‌عنوان یک کل (محسنی، ۱۳۹۱). به این ترتیب، فرکلاف سه سطح از تحلیل گفتمان را معرفی می‌کند:

۱) **سطح توصیف:** با توجه به اینکه، هر رخداد ارتباطی یک متن است، در مرحله توصیف، به ویژگی‌های صوری متن که ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی دارد، پرداخته می‌شود.

۲) **سطح تفسیر:** هر رخداد ارتباطی یک کردار گفتمانی است. از این رو، مرحله دوم شامل بررسی بافت موقعیتی، نوع گفتمان و نظم گفتمانی می‌شود و فرایندهای شناختی شرکت کنندگان و تعامل بین آنها تحلیل می‌شود (آقاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶).

۳) **سطح تبیین:** هر رخداد ارتباطی دارای کردار اجتماعی است. بنابراین، این سطح از تحلیل، ارتباط میان رویدادهای اجتماعی (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی را بیان می‌کند (آقاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶). در مرحله تبیین، فرکلاف به دنبال بیان شالوده اجتماعی و نظریات اجتماعی است که در شکل‌گیری گفتمان‌ها نقش دارند (فرکلاف، ۱۳۷۹).

در تحقیق حاضر، روشی تلفیقی از این دو رویکرد، روش تحلیل متن فرکلاف و تحلیل کلان لاکلا و موف به کار رفته است که در ادامه به یافته‌های تحقیق اشاره خواهیم کرد.

ارزش واژگان	واژگان به کار رفته در متن قانون	بازگامی
ارزش تجربی	۶- عرف محل، معتمد و مطلع محلی، شورای محل، شورای شهر، ساکنین و عابریین	اشاره به ساکنین محلی و بومی
ارزش رابطه ای	۷- راهنمایی فنی و علمی، متخصصین، کارشناسی، کارشناسان ۸- حکومت اسلامی، مصالح عامه، مصالح عمومی، دولت، مسئولیت، مدیر یا رئیس، اقدام مقتضی، حاکم شرع، پیشگیری، ممانعت، جلوگیری (از آلودگی آب)، حریم قانونی، حکم ۹- مستحذنه، قلع، استنکاف، بدو، قرائن، تعرفه، عام المنفعه، عندالاقضاء، تعبیه، جدیدالاحداث، محیاه، تقلیل، وزارتین، اخلال، حرج، مسلوب المنفعه، رأساً، فوق الذکر، لازم الاجراء، حق النظاره، حق الثبت، استحصال، معوقه، استنکاف، اجرائیه، اعراض ذیحق، مستحذات، بلا اثر ۱۰- در اختیار، اختیارات، بهره برداری، اجازه، کنترل، نظارت، مسئولیت، مقررات، تعیین، تشخیص تصویب، تصمیم، تغییر وضع، ممنوع، صدور پروانه، مسدود، منهدم، توقیف، مجازات، خسارت، جبران، استعلام، دستورالعمل، آیین نامه، اساسنامه، پروانه صلاحیت، تکلیف نمودن، تقسیم، توزیع، رسیدگی، مقررات، شروط، اخطار، جیره بندی، قطع آب، تعقیب، ضابطین، ضوابط، آیین دادرسی کیفری، دریافت عوارض، حبس تأدیبی، شلاق، محکوم، مجوز قانونی ۱۱- موظف (در مورد وزارت)، مشارکت (در مورد سازمان های دولتی)، حوزه عمل، محول ۱۲- راهنمایی فنی و علمی، متخصصین، دستورهای فنی، اشتباه ۱۳- موظف، مکلف، متخلف، معترض، متقاضی، درخواست، ملزم، اجتناب، پرداخت عوارض، شاکی، توافق، اختلاف، نزاع، ضرر، حق ۱۴- کدخدمنشی، میرابان، سرآبیاران	اعتقاد به دانش فنی، علمی و تخصصی اعتقاد به وجود یک حکومت یا دولت که مالکیت و مدیریت منابع و مسئولیت حفظ نظم و توافق بین شرکا را بر عهده بگیرد. متن رسمی و واژه های تخصصی موضوع متن مردم عادی و مخاطب آن کارشناسان قوای مجریه و قضائیه است. رابطه عمودی بین دولت و سایر شرکاء در بهره برداری از منابع آب که دولت و سازمان های وابسته به آن را کنشگرانی فعال و سایرین را منفعل و تابع دولت نشان می دهد. رابطه عمودی بین نگارنده متن (مجلس) و مجری متن (دولت) و تعیین وظایف دولت و نوع رابطه اش با سایر مشارکین رابطه عمودی بین کارشناسان و آب بران رابطه عمودی بین نگارنده متن و مردم و همچنین بین دولت و کارشناسان و مردم اشاره به شیوه سنتی و محلی مدیریت آب و روابط افقی بین مردم بومی
ارزش بیانی	۱۵- مصالح عامه، مصالح عمومی ۱۶- نزاع، اختلاف، دادگاه های صالحه، جرم، محکوم، ضرر، اعتراض، استنکاف، قوای انتظامی ۱۷- ضرورت، حد مجاز، متخلف، معترض، ایجاب، حدود، مقتضی، معقول، مناسب، لازم، صلاحیت، تعیین تکلیف ۱۸- بهره برداری، مزاحم، خطر، مزاحمت، مضر، حرج، مزاحمت، خسارت	ارزشیابی مثبت نگارنده از اعمال تعریف شده برای دولت ارزشیابی منفی نگارنده از اجرای مفاد درج شده در قانون توسط مردم (آب بران) ارزشیابی نگارنده از وضعیت منابع آبی ارزشیابی مثبت یا منفی نگارنده از تأثیر منابع آبی بر جامعه انسانی

منبع: یافته های تحقیق، ۱۴۰۰

سر و کار دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹). در جدول فوق، هم نشینی دسته اول واژگان نشان دهنده دیدگاه نگارنده متن به منابع آب است و اینکه آب به عنوان منبع و مخزنی مشترک در نظر گرفته شده است که "کسانی" در بهره برداری از آن شریک و سهیم هستند. دسته دوم به دیدگاه این شرکاء به منابع آب به عنوان مالکین و متصرفین و ... و حق و سهم بهره برداری آنها از این منابع

در ادامه، به توضیح و تفسیر هر یک از ارزش های ذکر شده پرداخته می شود.

#### - واژگان دارای ارزش تجربی:

واژگان دارای ارزش تجربی، طبق تعریف سرنخی به دست می دهند که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازگامی می شود. از این رو، با محتوا، دانش و اعتقادات

مشترک اشاره می‌کند که می‌تواند از طریق تأسیسات آبی، حفر چاه، عملیات عمرانی و ... صورت گیرد و ممکن است به دلایل منفعت طلبانه‌ای همراه با نزاع و اختلاف بین شرکاء باشد. در دسته سوم واژگان با طبقه‌بندی این منابع آبی مواجه هستیم که نشان دهنده رویکردی مصرف‌گرایانه است و منابع آبی را صرفاً بر اساس موارد مصرف آنها توسط انسان‌ها تقسیم‌بندی می‌کند. دسته چهارم حاکی از ظرفیت و محدودیت‌های این منابع برای تأمین نیازهای مصرفی انسان‌ها است. دسته پنجم نشان دهنده وجود رویکردی اقتصادی به آب است. با دیدن دسته ششم واژگان دریافت می‌شود که ساکنین محلی و بومی نیز مد نظر قانون‌گذار بوده‌اند. دسته هفتم نشان می‌دهد که نگارنده متن به دانش فنی، علمی و تخصصی در این حوزه اعتقاد دارد و در نهایت دسته هشتم واژه‌ها حاکی از وجود یک حکومت اسلامی و یا دولتی است که مالکیت و مدیریت منابع و مسئولیت حفظ نظم و توافق بین شرکاء را بر عهده دارد و این وظیفه را طبق "مصالح عامه" انجام می‌دهد. انتخاب واژه "مصالح" به جای "منافع" نکته‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. در برخی از متون "مصلحت عمومی" در معنای "منفعت عمومی" به کار رفته است. در حالی که با وجود قرابت مفهومی میان این دو عبارت، می‌توان بین آنها تفکیک قائل شد. چرا که مصلحت مفهومی برگرفته از ادبیات فقهی است اما "منفعت عمومی" دارای سیر تحول مفهومی دیگری است و ریشه در مکاتب فکری غرب در دوران پسا روشنگری دارد (منصوریان و شیانی، ۱۳۹۵).

#### - واژگان دارای ارزش رابطه‌ای:

ارزش‌های رابطه‌ای نشان می‌دهد که چگونه انتخاب کلمات متن بستگی به روابط اجتماعی بین مشارکین دارد و چگونه به ایجاد این روابط کمک می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹). واژگان دسته نهم در جدول فوق نشان‌دهنده رابطه‌ای رسمی بین نگارنده و مخاطب است. باتوجه به انتخاب واژگان حقوقی نامأنوس که کمتر در زندگی روزمره به کار می‌روند، به نظر می‌رسد مردمی که موضوع متن هستند، خودشان مخاطب این نوشته نیستند. چرا که محتوای قانون مربوط به مصرف‌کنندگان و "آب برانی" است که اغلب کشاورز و باغدار هستند و احتمال اینکه دانش تخصصی در حوزه حقوق داشته باشند خیلی کم است. پس مخاطب این متن، عموم مردم نبوده، بلکه مجریان این قانون یعنی کارشناسان قوای مجریه و قضائیه است. دسته‌های بعدی هم‌نشینی واژگان به روابط میان موجودیت‌های تعریف شده در متن اختصاص دارند. نگارنده متن در قالب دانای کل به ابلاغ حریم و حدود، حوزه عمل، تکالیف و وظایف حاضرین در متن و نوع روابط موجود میان آنها پرداخته است. دولت و سازمان‌های وابسته به آن را کنشگرانی فعال و سایرین را منفعل و تابع دولت نشان می‌دهد اما برای دولت (وزارت‌ها و سازمان‌های وابسته به

دولت) هم وظایفی تعیین کرده است. باتوجه به واژگان به کار رفته، رابطه بین دولت (وزارت و کارشناسان) و مردم (آب‌بران) رابطه‌ای عمودی و از بالا به پایین است. همچنین استراتژی‌های به کار رفته در متن، از جمله حسن تعبیر، مؤید این موضوع است. به‌عنوان مثال، در مورد خطاهای سرزده از مردم عبارت "تخلف" و یا "جرم" به کار رفته، اما در مورد خطای سر زده از کارشناسان از واژه "اشتباه" استفاده شده است. یا در مورد پرهیز حاضرین در متن از امر یا اقدامی، واژه "جلوگیری" و "ممانعت" برای دولت و واژه "اجتناب" برای مردم به کار رفته است که اولی بار فاعلیت بیشتری نسبت به دومی دارد. در نهایت دسته چهاردهم از واژگان به شیوه سنتی و محلی مدیریت آب اشاره دارد که حاکی از روابط افقی بین مردم بومی است.

#### - واژگان دارای ارزش بیانی:

واژگانی دارای ارزش بیانی هستند که ارزشیابی مثبت یا منفی نویسنده از اعمال توصیف شده، در آنها مستتر است (فرکلاف، ۱۳۷۹). به‌عنوان مثال، در عبارت "مصالح عمومی" ارزشیابی مثبت متن در مورد اعمال دولت قابل مشاهده است. دسته شانزدهم واژه‌ها نشان دهنده ارزشیابی منفی نگارنده از اجرای مفاد درج شده در قانون توسط مردم (آب بران) است. گویی هنوز این قانون ابلاغ و اجرا نشده، نگارنده تصور می‌کند که مقاومت‌هایی از سوی مردم صورت خواهد گرفت. اعتراض‌ها و اختلافاتی پیش خواهد آمد که برای حل آنها شاید نیاز به دادگاه و دخالت نیروهای انتظامی باشد. دسته هفدهم واژه‌ها نشان دهنده دیدگاه نگارنده به وضعیت منابع آبی است که به‌صورت مبهم و کلی نوشته شده و ارزیابی و تصمیم‌گیری نهایی را به مرحله اجرا موکول کرده و به عهده مجری قانون و کارشناسانش نهاده است و در پایان، دسته هجدهم واژگان نشان دهنده رویکرد قانون‌گذار به رابطه بین طبیعت (منابع طبیعی) و جامعه انسانی است. کاربرد واژه‌ای مانند "بهره برداری" حاکی از ارزیابی مثبت است و واژه‌هایی نظیر "مزاحم"، "خطر" یا "خسارت" نشان‌دهنده ارزیابی منفی نگارنده در مورد مزاحمت‌ها و خطرات احتمالی است که ممکن است از طرف طبیعت (نهرها و رودها) متوجه انسان‌ها، منافع مالی و پروژه‌های عمرانی آنها شود.

#### (ب) ویژگی‌های دستوری

انواع ویژگی‌های دستوری در متن‌ها وجود دارند که دارای ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند. جنبه‌های تجربی دستور زبان به رمزگذاری اتفاقات یا روابط در جهان، انسان‌ها یا اشیایی که در این اتفاقات یا روابط دخیل هستند و شرایط زمانی و مکانی، نحوه وقوع و دیگر موارد می‌پردازند. در این متن هر سه نوع جمله تعریف شده توسط فرکلاف دیده می‌شود. اما جمله‌های بیانگر فرایند "کنش" بیشتر از جمله‌های

بیانگر "رخداد" و "توصیف" است. جمله‌های بیانگر کنش از سه بخش فاعل، مفعول و فعل تشکیل شده و مستلزم "کنشگر" و "کنش‌پذیر" است. در بیشتر جمله‌ها دولت (سازمان‌ها و کارشناسان)، کنشگر و مردم یا منابع آبی (اعم از چاه، قنات، نهر) کنش‌پذیر هستند. فرکلاف، وجه‌های جمله، وجهیت و ضمائر را جز ارزش‌های رابطه‌ای موجود در دستور زبان متون معرفی می‌کند. در متن قانون توزیع عادلانه آب، اغلب جملات به صورت خبری ادا شده است ولی واژگان به کار رفته در این جملات (به عنوان مثال، مکلف، موظف) حاکی از اقتدار گوینده برای واداشتن مخاطب به کنشی خاص است. روابط مستتر در این متن در بخش مولفه‌های گفتمانی بررسی بیشتری خواهد شد. در خصوص ارزش بیانی دستور زبان، فرکلاف به وجهیت بیانی اشاره می‌کند به معنی تعهد تولید کننده متن به صدق گزاره است. در این متن، نگارنده تعهد مطلق نسبت به صحت ادعاهای خود دارد؛ گویی که دارای دیدگاهی شفاف نسبت به جهان است و معنی مورد نظر خود را بدون نیاز به تفسیر و بازفایی به مخاطبین خود منتقل می‌کند.

یافته‌های حاصل از تحلیل متن قانون توزیع عادلانه آب را به طور کلی می‌توان تحت عنوان مؤلفه‌های کلی زیر دسته‌بندی کرد:

۱- **جوهره اصلی یا خط داستانی روایت شده در متن:** در روایت کلی که این قانون ارائه می‌دهد آب به عنوان منبعی مشترک در نظر گرفته می‌شود که مردم و دولت برای اهداف اقتصادی خود از آن بهره‌برداری می‌کنند. در حین این برداشت و بهره‌برداری، تضادهایی در منافع و تعارضاتی بین شرکاء پدید می‌آید که دولت نقش اصلی را در وهله اول در توزیع و تعیین میزان برداشت آب و سپس در حل مشکلات و اختلافات پیش آمده ایفا می‌کند و مهمترین راه‌حلی که ارائه می‌دهد، روش‌های فنی و بوروکراتیک است. استعاراتی نیز در این روایت مستتر است. از جمله استعاره پرومته‌ای مبنی بر اینکه آب نعمتی بی پایان است که بشر هر چقدر که بخواهد می‌تواند آن را برداشت کرده و نگران تمام شدن یا نابود شدنش نباشد. استعاره مکانیکی مبنی بر تلقی اجتماع بشری به عنوان ماشینی عظیم که منابع اولیه و انرژی برای راه‌اندازی و حرکت آن در طبیعت موجود است و باید استخراج شده و مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در این استعاره، اکوسیستم‌های ارگانیک و به هم پیوسته مورد غفلت واقع شده و روابط پیچیده موجود در داخل اکوسیستم‌ها و میان نظام‌های طبیعی و نظام‌های اجتماعی/انسانی نادیده گرفته می‌شود. همچنین، کلید واژه "مشترکات" که برای منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی به کار برده شده است، استعاره معروف "تراژدی منابع مشترک" را به ذهن متبادر می‌سازد. تراژدی منابع مشترک توسط Hardin مطرح شد و مثالی فرضی درباره یک روستای قرون وسطایی است که مراتعش به صورت مشترک توسط دهقانان مورد

بهره‌برداری قرار می‌گیرد. وی معتقد است هر دهقان عاقل و خودخواهی در مواجهه با این تصمیم که آیا یک گاو دیگر را به مراتع مشترک روستا اضافه کند یا خیر، تشخیص می‌دهد که منافع آن گاو اضافی تنها به خود او بر می‌گردد، درحالی‌که هزینه‌هایش (فشاری که بر مشترکات وارد می‌شود) با سایر روستاییان تقسیم می‌شود. از این رو دهقانان خیلی زود گاوهای بیشتری را به مراتع مشترک می‌فرستند که منجر به نابودی آن مشترکات خواهد شد. هاردین مراتع مشترک یک روستای قرون وسطایی را به عنوان استعاره‌ای از تمامی منابع محیط‌زیستی به کار می‌برد (Dryzek, 2013). همچنین کاربرد واژه "حکومت اسلامی" و اصطلاح "در اختیار بودن" منابع طبیعی از جمله آب، یادآور نظریه Lynn White (1967) در مورد برخورد ادیان مسیحی/یهودی با طبیعت است. Weiskel (1990) در تأیید این نظریه می‌گوید ادیان ابراهیمی بر نوعی مصونیت (مستثنی بودن) انسان از طبیعت تأکید دارند و انسان را جانشین خداوند بر روی زمین و محق برای حکمرانی بر طبیعت تلقی می‌کنند. این نگرش نوعی برتری بر طبیعت و سایر مخلوقات را به انسان‌ها القا می‌کند به گونه‌ای که آنها تعیین محدوده‌های طبیعی و حد و اندازه برای برداشت از منابع طبیعی و تصمیم‌گیری درباره سایر جانداران را "حق" و حتی "رسالت" خود می‌دانند.

۲- **موجودیت‌های به رسمیت شناخته شده و یا برساخته شده در قانون:** مهمترین موجودیتی که در قانون توزیع عادلانه آب به چشم می‌خورد، دولت است. تقریباً در تمامی مواد این قانون، نامی از دولت و یا بخش‌هایی از آن از جمله وزارت نیرو، وزارت کشاورزی، هیئت وزیران و ... برده شده است. مردم نه به عنوان شهروندان فعال و تصمیم‌گیرنده، طبقات و اقشاری با هویت‌های مستقل و مختلف و یا انسان‌هایی در ارتباط ارگانیک با طبیعت، بلکه به عنوان اجتماعات کلی شناخته می‌شوند و هویت آنها بر اساس نسبت و ارتباطی که با منابع آبی و یا دولت دارند تعریف می‌شود. هر جا اشاره‌ای به مردم عادی شده از آنها با عناوینی نظیر "مالک"، "متصرف"، "آب بران"، "حقابه‌داران"، "صاحبان چاه"، "مصرف کنندگان"، "متخلفان"، "معتضان" و ... یاد شده است. این قانون هیچ موجودیت مستقلی برای طبیعت و اجزای آن متصور نیست و هیچ درکی از اکوسیستم‌های به هم پیوسته وجود ندارد. طبیعت به عنوان یک مقوله بی جان، فاقد شعور و فاقد ارزش ذاتی و صرفاً به عنوان مخزنی برای منابع طبیعی و آب در نظر گرفته می‌شود که باید در اختیار حکومت اسلامی باشد و در راستای مصالح عمومی مورد استثمار و تصرف قرار گیرد. ظرفیت‌ها و محدودیت‌های طبیعی در کل نادیده انگاشته شده و اشاره مستقیمی به محدودیت‌های اکولوژیکی صورت نگرفته است. فقط در موادی از قانون به "شرایط اقلیمی"، "آمار هیدرولوژی"، "خصوصیات هیدرولوژی"، "حد مجاز"، "مناطق



ممنوعه"، اشاره شده است که می‌توان با کمی سهل‌انگاری آن را به‌عنوان اعتقاد ضمنی به وجود محدودیت‌هایی در ظرفیت‌های اکوسیستم در نظر گرفته شود. آنچه در مورد خصوصیات طبیعی مطرح شده است میزان آب مصرفی برای کشت محصولات است. هیچ تفاوتی بین اقلیم‌های متنوع موجود در کشور در نظر گرفته نشده و برای تمامی "اراضی" در هر منطقه جغرافیایی و با هر ویژگی اکولوژیکی که باشند، ماده یکسانی تصویب شده است.

**۳- مفروضات درباره روابط طبیعی بین موجودیت‌های مختلف:** مهم‌ترین رابطه‌ای که در این قانون، طبیعی تلقی می‌شود، تضاد است. مبنای کلیه روابط بر تضاد و رقابت استوار است: رابطه مردم با یکدیگر، رابطه مردم با طبیعت، رابطه مردم با دولت و رابطه دولت با طبیعت. این تضادها در داخل یک نظام سلسله مراتبی شکل می‌گیرد که دولت در رأس آن قرار دارد و هم بر انسان‌ها و هم بر طبیعت اعمال سلطه می‌نماید. طبیعت در پایین‌ترین جایگاه این سلسله مراتب قرار گرفته است.

**۴- عاملین و انگیزه‌هایشان:** بیشترین کنشگری در این قانون به‌صورت عام برای "حکومت اسلامی" (شامل دولت، دادگستری و نیروهای انتظامی) و به‌طور خاص برای دولت و اجزای آن (وزارت‌ها، هیئت وزیران و سازمان‌ها) در نظر گرفته شده و انگیزه‌ای که به‌صورت صریح و آشکار عنوان شده، "مصالح عامه" و تأمین "احتیاجات عمومی" است. اما با بررسی واژگان به کار رفته و محتوای مواد قانون می‌توان به انگیزه‌های پنهان دولت (یا حکومت در کلیت آن) در قبال مردم و طبیعت پی برد. مداخلات دولت در امور مربوط به آب اغلب با انگیزه منفعت اقتصادی و با اولویت اهداف عمرانی و توسعه کشاورزی صورت می‌گیرد و به نظر نمی‌رسد در هیچ کجای این قانون دولت و یا قانون‌گذار نگرانی، دغدغه و یا احساس مسئولیتی در قبال مخاطرات احتمالی و یا نابودی محیط‌زیست و منابع آبی داشته باشد. مردم عادی (که عمدتاً کشاورزان مد نظر این قانون هستند) از عاملیت و کنشگری برخوردار نیستند و در مواردی که انجام کنشی برای آن‌ها در نظر گرفته شده این کنش در قالب وظیفه و تکلیفی است که از طرف دولت تعیین شده است. آنها در موارد متعددی از طرف دولت "ملزم"، "مکلف" و "موظف" به انجام اقداماتی شده‌اند، از جمله در مورد "حفاظت و نگهداری چاه، قنات، نهر، جوی و استخر و هر منبع یا مجرا و تأسیسات آبی مشترک" و در صورت عدم انجام این وظایف و تکالیف، مجازات خواهند شد. تصویر رسم شده از مردم در این قانون، کنشگرانی فردی (بیشتر کشاورزان) و جمعی (شرکت‌ها) است که به دنبال منافع اقتصادی خود و بهره‌کشی از طبیعت هستند و در تضاد و تعارض با یکدیگر و با دولت قرار دارند. به گونه‌ای که در مواردی لازم است قانون با مداخله "مأمورین شهربانی و ژاندارمری و سایر قوای نظامی" به مورد اجرا گذاشته شود (ماده ۳۱).

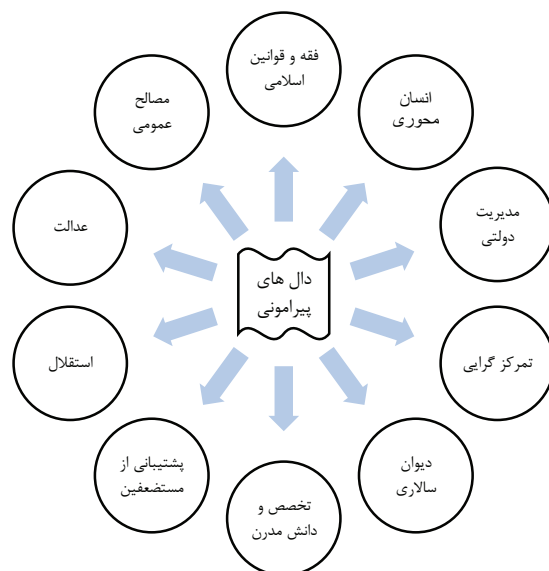
## ۲- بررسی قانون توزیع عادلانه آب در بطن شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه

گفتمان هژمونیک در عرصه اجتماعی ایران در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ گفتمان کلان انقلاب اسلامی با ویژگی "سنت‌گرایی ایدئولوژیک" (بشیریه، ۱۳۸۷) بود. گفتمان انقلاب اسلامی که به شکل نظام سیاسی جمهوری اسلامی تبلور یافت، حاصل مفصل‌بندی دو نشانه مهم "جمهوریت" و "اسلامیت" بود. اسلام خود دال مرکزی گروه‌های اسلامی بنیادگرا و سنت‌گرا بود که نشانه‌های روحانیت، فقه و ولایت فقیه را با هم در یک گفتمان گرد می‌آورد. از سوی دیگر، نشانه‌های مردم، قانون و آزادی در گفتمان تجددگرای سکولار و لیبرالیست حول دال مرکزی جمهوری مفصل‌بندی شده بودند (سلطانی، ۱۳۸۴). در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۶ آن بخشی از گفتمان انقلاب اسلامی که ریشه در تجددطلبی داشت به حاشیه رانده شد و بخش سنتی آن که پیرامون دال "اسلامیت" شکل گرفته بود برجسته شد. رویکرد اقتصادی غالب در این دوران را نیز "چپ سنتی" می‌نامند که از نوعی اقتصاد اسلامی، اصلاحات ارضی، قسط و عدالت، مداخله دولت در اقتصاد، وضع قانون کار، ملی کردن تجارت خارجی، منع ثروت اندوزی و غیره حمایت می‌کرد (بشیریه، ۱۳۸۷). با این مقدمه به بررسی قانون توزیع عادلانه آب که در همین دوران به تصویب رسید، پرداخته می‌شود تا دال‌های مرکزی و پیرامونی و شیوه مفصل‌بندی گفتمان حاکم بر آن شناسایی شود.

دال مرکزی این گفتمان "جمهوری اسلامی" است. احزاب و گروه‌های بنیادگرای اسلامی که نماینده گروه‌های سنت‌گرا بودند، به تحول از نظام سلطنتی به حکومت جمهوری قانع نبودند و خواستار ترکیب مذهب و سیاست و تأسیس حکومت دینی یا روحانی و اجرای احکام اسلام از طریق نظام سیاسی بودند (سلطانی، ۱۳۸۴). مهم‌ترین تشکل این گروه، حزب جمهوری اسلامی بود که در سال ۱۳۵۸ تأسیس و موفق به کسب اکثریت آراء در ادوار اول و دوم مجلس شد و همچنین دولت‌های اول تا سوم را در اختیار داشت. بر اساس مرام‌نامه این حزب، "حاکمیت ناشی از خداوند است و همه قوانین و مصوبات می‌باید مبتنی بر شرع اسلام و رهبری و ریاست کشور می‌باید در دست فقها قرار گیرد" (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۰۴/۲۵ به نقل از بشیریه، ۱۳۸۷).

دال‌های پیرامونی این گفتمان در شکل (۱) نشان داده شده است. به‌طورکلی، وقته‌های شکل گرفته حول دال مرکزی جمهوری اسلامی را می‌توان در دو دسته عمده جای داد. دال‌های نشأت گرفته از وجه سنتی، اسلامی و انقلابی این گفتمان مانند: فقه و قوانین اسلامی، مصالح عمومی، ارزش‌های انقلابی از جمله استقلال و خودکفایی (توسعه کشاورزی)، عدالت اجتماعی و پشتیبانی از مستضعفین و دال‌های نشأت گرفته از وجه مدرن و

جمهوریت این گفتمان شامل: انسان محوری (طبیعت ستیزی)، تخصص مبتنی بر دانش مدرن و مدیریت دولتی در کلیه امور که تمرکزگرایی سیاسی-اداری و دیوان سالاری سلسله مراتبی را در پی دارد.



شکل ۱- دال‌های پیرامونی شناسایی شده در قانون توزیع عادلانه آب (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰)

در ادامه، به توضیح هر یک از این دال‌های ده‌گانه پیرامونی پرداخته می‌شود.

#### ۱- فقه و قوانین اسلامی:

وجه ممیزه انقلاب اسلامی از نهضت‌های پیشین به ویژه نهضت مشروطه، "مکتبی" و "اسلامی" بودن آن است (غفاری، ۱۳۹۱) و مهمترین اصل حکومت اسلامی، تأکید بر سنت اسلامی به‌عنوان منشأ همه ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده است (بشیریه، ۱۳۸۷). از نظر معتقدان به این رویکرد، قوانین و مقررات حاکم باید "راه‌گشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی" باشد (مقدمه قانون اساسی). به این معنا که تمامی قوانین و مقرراتی که از سوی مراجع صالح، اعم از مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه، شوراهای و ...، به تصویب می‌رسد باید مطابق موازین اسلامی باشد و مواد، تبصره‌ها و بندهای هر یک از این قوانین و مقررات نباید مغایرتی با شرع مقدس اسلام داشته باشد (پروین و همکاران، ۱۳۹۱). این اصل در همه امور زندگی انسان، از جمله امور محیط‌زیستی مصداق داشته و منشأ تدوین و تصویب قوانین و سیاست‌ها است.

#### ۲- مصالح عمومی:

مصلحت عمومی یکی از مفاهیم بنیادین سیاست، حقوق و اخلاق است و از دیرباز اعتقاد بر این بوده است که حکومت باید به دنبال خیر عمومی باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، به

مثابه مهمترین سند حقوقی و سیاسی کشور، در اصول متعدد خود با عبارات گوناگونی همچون "مصلح کشور"، "مصلحت جامعه"، "مصلح عمومی"، "منافع ملی" و "مصلحت نظام" به این مفهوم اشاره نموده است (راسخ و بیات کمیته‌ی، ۱۳۹۰). این مفهوم در قانون توزیع عادلانه آب نیز به چشم می‌خورد که باتوجه به سلطه گفتمان اسلامی در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، به نظر می‌رسد، تعریفی مبتنی بر شرع و فقه اسلامی از مصلحت عمومی مد نظر قانون‌گذار بوده باشد.

#### ۳- عدالت:

گفتمان انقلاب اسلامی، در غیریت‌سازی با غرب و دوران پیش از انقلاب، عدالت طلبی را به‌عنوان یکی از ارزش‌ها و آرمان‌های خود برجسته ساخت و مفهوم عدالت وارد بخش‌های مختلف جامعه از جمله محیط‌زیست و مدیریت منابع طبیعی شد. نمایندگان مجلس دغدغه غیرعادلانه بودن توزیع و تقسیم آب در زمان "طاغوت" را داشتند و اینکه بهره‌برداری از منابع آب تنها توسط قشر مملوک و سرمایه‌دار طاغوتی صورت می‌گرفت (طالبی، ۱۳۹۹). از این رو، قانون توزیع عادلانه آب بر پایه عدالت توزیعی تدوین شد که بر عادلانه بودن وضعیت نهایی دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع تأکید دارد (ارشدی، ۱۳۹۷). اما عدالت رویه‌ای به معنی منصفانه و عادلانه بودن قواعد، فرایندها و رویه‌های تصمیم‌گیری و همچنین عدالت در مورد نسل‌های آینده و توسعه متوازن و همه جانبه مورد غفلت واقع شد.

#### ۴- استقلال و خودکفایی:

با پیروزی انقلاب اسلامی، تمرکز بر خودکفایی و عدم وابستگی به محصولات استراتژیک غذایی به‌عنوان یکی از آرمان‌ها مورد تأکید قرار گرفت. در همین راستا، بخش کشاورزی، به‌عنوان محور توسعه تلقی شد و بر بسیج کلیه امکانات ملی و همه بخش‌های اقتصادی به منظور رسیدن به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی کشاورزی، تقویت توان اقتصادی روستاها و احیای آن به‌عنوان منبع و جایگاه اصلی تولید در صدر اولویت‌های اقتصادی دولت قرار گرفت (قدیری معصوم و نجفی کانی، ۱۳۸۲). آنچه که مورد غفلت واقع شد، اصول پایداری در توسعه کشاورزی بود. با مروری بر قانون توزیع عادلانه آب نیز معیارهای کشاورزی پایدار از جمله حفظ و ارتقاء ظرفیت تولیدی منابع طبیعی پایه و تأمین نیازهای اساسی نسل‌های آینده مورد توجه قرار نگرفته است.

#### ۵- پشتیبانی از مستضعفین:

پشتیبانی از مستضعفین از دیگر دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی بود که به‌عنوان یکی از اهداف و آرمان‌های انقلاب توصیف می‌شد. انگاره این دوران، انگاره‌ای به شدت ضد سرمایه‌داری و در تقابل با طبقات بالا بود. یکی از اقشاری که در آن سال‌ها، تحت عنوان محرومان و مستمندان مورد توجه قرار گرفت،

کشاورزان بودند. متعاقباً سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای توسعه روستایی و کشاورزی اجرا شد. قانون توزیع عادلانه آب نیز در همین راستا به تصویب رسید. در واقع توزیع عادلانه در نظر قانونگذاران به معنی حمایت از خرده مالکینی بود که در دوران قبل از انقلاب قادر به اخذ مجوز بهره‌برداری نبودند، لذا به ناچار به احداث چاه غیرمجاز و برداشت غیرمجاز روی آورده بودند. به عبارت دیگر، دال محوری عدالت‌طلبی، به معنی قانونی کردن تخلفات «مظلومین» برای رسیدن به برابری و کاهش فاصله طبقاتی بود (طالبی، ۱۳۹۹).

#### ۶- انسان محوری و طبیعت‌ستیزی:

در دوران معاصر، انسان محوری برآمده از تفکر مدرن و تجدیدطلبانه، به نوعی افراط‌گرایی در قبال طبیعت انجامیده و به سلطه بیش از حد بر طبیعت و نوعی طبیعت‌ستیزی منجر شد. این روند تا جایی ادامه یافت که بشر متوجه شد بهره‌کشی بی حد و مرز از طبیعت و تخریب محیط‌زیست، خود سبب آسیب‌های فراوان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی برای زندگی انسان و در نهایت به نوعی بی‌عدالتی بین نسلی منجر می‌شود. با وجود ضعف شدن این رویکرد در جهان غرب، انسان محوری طبیعت‌ستیز در ایران همچنان یک گفتمان غالب مدیریتی به شمار می‌رود و بسیاری از مردم و مدیران بدون توجه به ظرفیت‌های اکولوژیکی سرزمین به تخریب محیط‌زیست و بهره‌برداری خشونت‌آمیز از طبیعت ادامه می‌دهند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۶).

#### ۷- مدیریت دولتی:

روند دولتی‌سازی مدیریت آب در ایران از سال‌های پیش از انقلاب آغاز شد و پس از انقلاب نیز ادامه یافت. در واقع، در یک سده اخیر، مدیریت منابع آب کشور بیشتر با شیوه متمرکز و در قالب قاعده‌گذاری‌های رسمی انجام شده است (بخشی جهرمی و همکاران، ۱۳۹۳). دولت‌ها برنامه‌هایی را به‌عنوان بسته‌های پیشنهادی به کشاورزان ارائه کردند که اجرای آنها با سیاست‌های تکمیلی دیگری از جمله اعمال محدودیت‌های قانونی و یا به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی همراه بوده است (مختاری، ۱۳۹۳). بازتاب اهمیت و عاملیت دولت در حوزه مدیریت منابع آب را به خوبی می‌توان در قانون توزیع عادلانه آب مشاهده کرد.

#### ۸- تمرکزگرایی (سیاسی-اداری):

نظام‌های متمرکز، دیدگاه سنتی و غالب اکثر کشورهای جهان تا اواخر قرن بیستم بود. در این نظام‌ها تمامی اختیارات تصمیم‌گیری در دست حکومت مرکزی است و واحدها و بخش‌های پایین‌تر فقط مجری سیاست‌های حکومت مرکزی هستند (ملکی و آقامحمدی، ۱۳۹۶). در حال حاضر این سبک مدیریتی همچنان در ایران اجرا می‌شود. یکی از مهمترین تبعات این نگرش، بخشی

نگری است. هر یک از نهادهای منطقه‌ای با رابطه‌ای عمودی با وزارتخانه یا سازمان ذی‌ربط در مرکز، تنها در پی پیاده‌سازی اهداف و اولویت‌های برنامه بخشی خود هستند (ملکی و آقامحمدی، ۱۳۹۶). عدم وجود روابط افقی میان بخش‌های مختلف در یک منطقه جغرافیایی گاهی به پیشامدهای محیط‌زیستی منجر می‌شود. اصرار مسئولان استانی و نمایندگان مجلس بر سوق دادن طرح‌های عمرانی و فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی مختلف به حوزه انتخابیه خود، بدون در نظر گرفتن توان سرزمینی و محدودیت‌های اکولوژیکی منطقه، از نمونه‌های بارز این گونه تمرکزگرایی و بخشی‌نگری است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۶).

#### ۹- دیوان‌سالاری سلسله‌مراتبی:

تمرکزگرایی سیاسی-اداری به استقرار و اقتدار یک دستگاه دیوان‌سالاری متمرکز منجر می‌شود که تمامی اختیارات از تصمیم‌گیری تا برنامه‌ریزی و اجرا را در انحصار خود می‌گیرد. به عبارت دیگر، تمرکز در نظام اداری مترادف با تمرکز در اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری در رأس هرم‌های اداری دستگاه‌های دولتی است. این نوع بوروکراسی در بخش کشاورزی و مدیریت آب نیز ایجاد شده است. قانون توزیع عادلانه آب یکی از قوانین برآمده از همین رویکرد بوروکراتیک است که کشاورزان را در پایین‌ترین سطح سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری قرار داده و رفته رفته تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در کلیه امور مربوط به آب و کشاورزی را در دست گرفته و کشاورزانی را که برای قرن‌ها با مسئولیت و مشارکت صد در صدی در کلیه امور به مدیریت گروهی و پایدار آب می‌پرداختند، تبدیل به کشاورزانی بی مسئولیت، بی‌انگیزه و ناراضی کرده است (مختاری، ۱۳۹۳).

تخصص مبتنی بر دانش مدرن: یکی از الزامات در الگوی مدیریت بوروکراتیک و تکنوکراتیک، وجود متخصصین است. دولت‌های بوروکراتیک ایران نیز حکمرانی خود بر منابع آبی را از طریق متخصصینی اعمال کردند که بیشتر از دانش آموختگان رشته‌های مهندسی کشاورزی و عمران (شامل هیدرولوژی و آبیاری) بوده و بر مدیریت عرضه آب تمرکز داشته‌اند (مختاری، ۱۳۹۳). در قانون توزیع عادلانه آب "کارشناسان" وزارت نیرو و کشاورزی به راهنمایی و آموزش کشاورزان بومی می‌پردازند و هر جا نیاز به "تشخیص" و "تعیین" چیزی باشد، همین کارشناسان دولتی به‌عنوان مرجع در نظر گرفته می‌شوند. غافل از آنکه دانش بومی مدیریت آب در ایران، دانشی پراندیشه و ژرف، سازگار با محیط، کمترین تخریب و پیامدهای محیط‌زیستی و نابودی اکوسیستم‌های گوناگون خشکی و آبی، بدون اثرات منفی بر کاربری‌های جنگل و مرتع، و همچنین بدون تخریب و تحلیل پیکره‌های آبی و رودخانه‌ها بوده و بیشترین سازگاری را با طبیعت و نوسانات آن داشته است (گنج بخش و کلاهی، ۱۳۹۸).

## ۱۰- عناصر حوزه گفت‌وگو:

لاکلا و موف (۱۹۸۵) معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفت‌وگو می‌شوند، حوزه گفت‌وگو می‌نامند. به این معنی که هر گفت‌وگو به طور طبیعی، یکی از معانی ممکن هر نشانه را بر حسب همخوانی آن با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی را دور می‌نماید. این معانی نهفته که از گفت‌وگو دور شده‌اند در حوزه گفت‌وگو قرار می‌گیرند. این طرد شدگی موقتی است و این عناصر، دال‌های شناوری هستند که می‌توانند ذیل یک گفت‌وگو دیگر قرار گرفته و تثبیت شوند (به نقل از کسرابی و پوزش، ۱۳۸۸). همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در گفت‌وگو مسلط بر قانون توزیع عادلانه آب، مفاهیمی نظیر طبیعت (اکوسیستم)، توسعه پایدار، حفاظت از محیط‌زیست، مردم و مشارکت در بین دال‌های مفصل‌بندی شده حضور ندارند و در حوزه گفت‌وگو قرار می‌گیرند.

## نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، با بررسی یافته‌های فوق، نتایج ذیل در خصوص تحلیل قانون توزیع عادلانه آب به دست می‌آید:

### الف- ابهام در تعریف مفاهیم، از جمله عدالت و مصالح عمومی:

به نظر می‌رسد نام این قانون، تحت تأثیر جو انقلابی‌گری و عدالت‌طلبی سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب انتخاب شده باشد؛ بدون اینکه تعریف دقیقی از واژه عدالت صورت گیرد و مشخص شود که این عدالت قرار است از منظر چه کسانی و بین چه کسانی برقرار شود؟ بهای دستیابی به این نوع عدالت در توزیع آب چیست؟ و چه کسانی این بها را خواهند پرداخت؟ مصالح عمومی نیز تعریف دقیقی نشده است و بیش از آنکه متوجه مردم باشد در راستای اهداف توسعه‌ای و منافع اقتصادی دولت است. طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای بر حفظ طبیعت و محیط‌زیست برتری دارد و خسارات وارده بر طبیعت با پرداخت جریمه‌های نقدی به افراد و یا دولت جبران می‌شود. محلی برای صرف هزینه‌های دریافتی توسط دولت در نظر گرفته نشده است. به این معنی که جریمه‌های دریافتی صرف بهسازی و ارتقا کیفیت همان اکوسیستم‌ها نمی‌شود، بلکه به حساب دولت واریز می‌شود و به‌عنوان منبع درآمدی برای مصارف غیر محیط‌زیستی است.

### ب- عدم باور به محدودیت در منابع آبی و زود هنگام بحران:

مسئله قانون‌گذار در قانون توزیع عادلانه آب، مسئله آب نیست و هیچ اثری از وجود نگرانی در مورد نابودی منابع آبی و لزوم حفظ و صیانت از سرمایه آبی کشور برای نسل‌های آینده در این قانون مشاهده نمی‌شود. قانون‌گذار یک دغدغه ایدئولوژیک و انقلابی را در سر دارد و می‌کوشد با تصویب این قانون در راستای اهداف کلان نظام سیاسی/اجتماعی گام بردارد. در واقع، هدف از

توزیع "عادلانه" آب، دستیابی به آرمان انقلابی عدالت گسترده و پشتیبانی از مستضعفین است.

### ج- عدم باور به موجودیت طبیعت:

هیچ ردپایی از طبیعت و اکوسیستم‌های طبیعی در این قانون نیست. طبیعت در این قانون جایگاهی بالایی ندارد، جان‌دار تلقی نمی‌شود، فاقد ارزش ذاتی است و ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایش مورد توجه قرار نمی‌گیرد. قانون‌گذار اعتقادی به روابط پیچیده و تو در تو بین نظام‌های طبیعی و نظام‌های انسانی ندارد و این امکان را نادیده می‌گیرد که با آسیب زدن به طبیعت و بر هم زدن نظم و تعادل اکوسیستم‌های طبیعی، آسیب‌های متعاقبی متوجه جامعه انسانی خواهد شد. چیزی که در فرهنگ عامه از آن به‌عنوان "خشم طبیعت" یاد می‌شود.

### د- عدم عاملیت شهروندان:

مردم در این قانون نقش سوژگی ندارند و کلیه امور آنها از جمله حد و حدود و کیفیت رابطه آن‌ها با طبیعت توسط دولت تعیین می‌شود. شهروندان و مشارکت فعالانه و آگاهانه آن‌ها جایی در این قانون ندارد و دانش بومی و تجارب موفق چند صد ساله کشاورزان و مردم محلی در مدیریت منابع آب محدود کشور بی‌ارزش قلمداد می‌شود.

وجود ویژگی‌های فوق در قانون توزیع عادلانه آب، آن را به قانونی ناعادلانه تبدیل نموده است که زمینه‌ساز ظلم در حق طبیعت و اکوسیستم‌های آبی کشور می‌شود. آنچه در عمل شاهدش هستیم، این است که در کشور ما که زمانی نه چندان دور، از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب منابع آب زیرزمینی برخوردار بوده، در ۲۰ سال گذشته منابع آب تجدید شونده به ۱۱۰ میلیارد مترمکعب و در ۶ سال گذشته به کمتر از ۱۰۰ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است (محمودی، ۱۳۹۶). کشور ایران امروز در بحران جدی آب قرار دارد و روز به روز با پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیشتری مواجه خواهد شد و بدون بازنگری در باورها و نظام معنایی که منجر به تصویب قوانینی نظیر قانون توزیع عادلانه آب شده‌اند، راه به جایی نخواهد برد. قانون توزیع عادلانه آب، از زمان تصویب در سال ۱۳۶۱ تا امروز مرجع عمل بوده و به مورد اجرا گذاشته شده است. بررسی نحوه عملیاتی شدن و میزان موفقیت در اجرای آن نیاز به مطالعه جداگانه‌ای دارد و لذا پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده نحوه اجرای این قانون و میزان موفقیت/عدم موفقیت و دلایل آن بررسی شود.

## ملاحظه:

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری لیلیا کریمی با عنوان "شناسایی و تحلیل جامعه شناختی گفت‌وگوهای رایج در حوزه آب در ایران" می‌باشد که تحت راهنمایی دکتر امیر ملکی و دکتر صادق صالحی در دانشگاه پیام نور انجام شده است.

- اصفهان. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۸(۲): ۲۹۴-۲۷۱.
- عربی یزدی، ا.، علیزاده، ا. و محمدیان، ف. ۱۳۸۸. بررسی ردپای اکولوژیک آب در بخش کشاورزی ایران. نشریه آب و خاک (علوم و صنایع کشاورزی)، ۲۳(۴): ۱-۱۵.
- غفاری، ه. ۱۳۹۱. نسبت میان حاکمیت شرع و حاکمیت قانون در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش حقوق، ۱۴(۳۶): ۱۰۷-۱۳۲.
- فرکلاف، ن. ۱۳۷۹. تحلیل گفتمان انتقادی. مترجمان: فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرامپور، رضا ذئقدار مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی و محمدجواد غلامرضا کاشی. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. چاپ اول تهران. ایران.
- قدیری معصوم، م. و نجفی کانی، ع. ۱۳۸۲. برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آنها بر نواحی روستایی. پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۵(۴۴): ۱۱۱-۱۲۱.
- کسرای، م. و پوزش شیرازی، ع. ۱۳۸۸. نظریه گفتمان لاکلا و موفه: ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، ۳۹(۳): ۳۳۹-۳۶۰.
- گنج‌بخش، ف. و کلاهی، م. ۱۳۹۸. اهمیت دانش بومی استحصال آب باران. هشتمین همایش ملی سامانه‌های سطوح آبگیر باران، دانشگاه فردوسی مشهد.
- محسنی، م. ۱۳۹۱. جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف. مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳: ۶۳-۸۶.
- مختاری، د. ۱۳۹۳. مدیریت مشارکتی منابع آب کشاورزی در ایران. جلد ۱. نشر ایلاف. چاپ اول. شیراز. ایران.
- محمدی، ا. و مهرابی، ع. ۱۳۹۷. مروری بر وضعیت قوانین آب در ایران. هفتمین کنفرانس ملی مدیریت منابع آب ایران، با رویکرد پیوند چرخه آب و اکولوژی در مناطق خشک برای پایداری سرزمین. دانشگاه یزد. یزد.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۴. عنوان گزارش: بررسی تحولات قوانین بخش آب و تأثیر آن بر منابع زیرزمینی. دفتر مطالعات زیربنایی (گروه آب)، شماره مسلسل: ۱۴۳۰۹.
- ملکی، ا.، صالحی، ص.، ربیعی، ع. و یازرلو، ر. ۱۳۹۶. مطالعه تطبیقی الگوهای جهانی گفتمان زیست‌محیطی با وضعیت ایران (با تأکید بر مدل‌های هانینگن، هرندل، براون و برول). فصلنامه مدیریت شهری، ۱۶(۳(۴۸)): ۱۴۵-۱۷۲.
- ملکی، ح. و آقامحمدی، ج. ۱۳۹۴. تمرکزگرایی و تمرکززدایی در فرایند برنامه‌ریزی (توسعه آموزشی: چالش‌ها و موانع). ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۸۰: ۶۰-۶۶.
- آقاگل زاده، ف. و گیاثیان، م.س. ۱۳۸۶. رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. مجله زبان و زبان‌شناسی، ۳(۵): ۳۹-۵۴.
- ارشدی، م. ۱۳۹۷. عدالت اجتماعی و آب: درآمدی بر مفاهیم و رویکردها. اندیشکده تدبیر آب ایران، قابل دسترسی در <http://iwpri.ir/home/single/531>
- افضلی، ر.، پیشگاهی فرد، ز.، زارعی، ب. و رحمانی، م. ۱۳۹۶. آسیب‌شناسی ژئوپولیتیکی مدیریت منابع آبی ایران در حوزه آبریز جنوب غربی کشور: رودخانه‌های کرخه و کارون بزرگ. فصلنامه راهبرد اجتماعی، فرهنگی، ۶(۲): ۱۰۵-۱۴۰.
- محمودی، س. ۱۳۹۶. آب چیره‌بندی می‌شود؟ ایسنا. کد خبر ۹۶۱۲۱۰۰۵۱۵۶، قابل دسترسی در <https://www.isna.ir/news/96121005156>
- بخشی جهرمی، آ.، زمانی، غ.، حیاتی، د. و صادقی، م. ۱۳۹۳. تیشه قانون به ریشه آب: تحلیلی پژوهشی بر قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری. فصلنامه علمی پژوهشی مهندسی آبیاری و آب، ۵(۱۸): ۱۲۶-۱۴۴.
- بشیریه، ح. ۱۳۸۷. دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران (دوره جمهوری اسلامی). انتشارات نگاه معاصر. چاپ پنجم. تهران. ایران.
- پروین، خ.، افکار سرنده، ح.، و درویش متولی، ح. ۱۳۹۱. حکومت اصل چهارم قانون اساسی بر عموم و اطلاق سایر اصول. قوانین و مقررات. نشریه حکومت اسلامی، ۱۷(۴): ۱۰۹-۱۳۲.
- حجازی، ن. و بهرامی، و. ۱۳۹۸. کاربست روش لاکلا و موف در رشته علوم سیاسی. فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۵(۹۹): ۱-۱۸.
- راسخ، م. و بیات کمیتکی، م. ۱۳۹۰. مفهوم مصلحت عمومی. مجله تحقیقات حقوقی، ۵۶: ۹۳-۱۱۹.
- سلطانی، ع. ۱۳۸۴. قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران). نشر نی. چاپ چهارم. تهران. ایران.
- صالحی، ص.، علیرضا فیروزجائیان، ع. و غلامرضا زاده، ف. ۱۳۹۳. تحلیل گفتمان زیست‌محیطی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۶(۲۱): ۴-۲۹.
- صالحی، ص.، ملکی، ا. و یازرلو، ر. ۱۴۰۰. مجلس و محیط‌زیست. انتشارات دانشگاه مازندران. چاپ اول. بابلسر. ایران.
- طالبی صومعه‌سرای، م.، ذکایی، م. و فاضلی، م. ۱۳۹۹. مروری تاریخی بر ابعاد اجتماعی تصویب قوانین آب در ایران. تحقیقات منابع آب ایران، ۱۶(۱): ۱۷۴-۱۹۶.
- عبداللهی، ع.، زاهدی مازندرانی، م.، صالحی، ص. و ذکایی، م. ۱۳۹۵. نظام معنایی پدیده خشکسالی در میان کشاورزان استان

- Process. Oxford University Press & Clarendon Press. New York. United States of America.
- Madani K., AghaKouchak A. and Mirchi A. 2016. Iran's Socio-economic Drought: Challenges of a Water-Bankrupt Nation. *Iranian Studies*, 49: 997-1016.
- Novikau A. 2016. The evolution of the concept of environmental discourses: is environmental ideologies a useful concept, *Western Political Science Association 2016 Annual Meeting Paper*. Retrieved from <https://wpsa.research.pdx.edu/papers/docs/novikau.pdf>
- Sharp L. and Richardson T. 2001. Reflections on Foucauldian discourse analysis in planning and environmental policy research. *Journal of Environmental Policy and Planning*, 3(3): 193-209
- UNESCO. 2006. *Water, a shared responsibility*, UNESCO/Bergham Books. Barcelona.
- UNESCO. 2019. *Leaving No One Behind: The United Nations World Water Development Report*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 7, Place de Fontenoy, 75352 Paris 07 SP, France.
- Weiskel T. C. 1990. *Cultural Values and Their Environmental Implications: An Essay on Knowledge, Belief and Global Survival*. Paper presented at the annual meeting of the American Association for the Advancement of Science. New Orleans.
- White L. Jr. 1967. The Historic Roots of our Ecological Crisis. *Science*, 155(3767): 1203-1207.
- منصوریان، ن. و شیبانی، ع. ۱۳۹۵. مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانون‌گذاری ایران. دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۱(۷۵): ۱۱۷-۱۴۲.
- یازرلو، ر. ۱۳۹۵. تحلیل گفتمان قوانین زیست‌محیطی مجلس شورای اسلامی. رساله دکتری مسائل اجتماعی ایران، به راهنمایی دکتر امیر ملکی و دکتر صادق صالحی، دانشگاه پیام نور. تهران.
- Adams L., Boccaletti G., Kerlin M. and Stuchtey M. 2009. *Charting our Water Future, Economic frameworks to inform decision-making*. Report for the 2030 Water Resources Group.
- Burek P., Satoh Y., Fischer G., Kahil M. T., Scherzer A., Tramberend S., Nava L. F., Wada Y., Eisner S., Flörke M., Hanasaki N., Magnuszewski P., Cosgrove B. and Wiberg D. 2016. *Water Futures and Solution: Fast Track Initiative (Final Report)*. IIA-SA Working Paper.
- Dryzek J. S. 2013. *The Politics of the Earth: Environmental Discourses*. Oxford University Press, 3rd edition. England.
- Europe A. 2009. *Water Sector Development and Governance: Complementarities and synergies between Sector-Wide Approach and Integrated Water Resource Management*, Reference Document No 7, European Commission. Laxenburg, Austria, International Institute for Applied Systems Analysis (IIASA). [pure.iiasa.ac.at/13008/](http://pure.iiasa.ac.at/13008/).
- Hajer M. A. 1995. *The Politics of Environmental Discourse: Ecological Modernization and the Policy*